

سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی و فرایند ملت‌سازی در ایران^۱

علی ایمانی* - علی اصغر قاسمی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۶)

چکیده

مقاله حاضر به تبیین سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی و فرایند ملت‌سازی در ایران بر اساس رهیافت داده‌بنیاد می‌پردازد. محقق با بهره‌گیری از فرایند چرخه‌ای سیاست‌گذاری به تبیین چگونگی ورود مسئله ملت‌سازی و همچنین خدمت‌سربازی به تقویم سیاست‌گذاری در ایران معاصر می‌پردازد. بر اساس پژوهش حاضر «خدمت‌سربازی» و پدیده نوظهور «ملت» از آغاز قرن نوزدهم و تهاجم روسیه و انگلیس به ایران وارد تقویم سیاستی شد، یک اقدام سیاستی مهم در پاسخ به بحران تجاوز خارجی، صورت‌بندی سیاست‌های خدمت‌سربازی بود. مطابق پژوهش حاضر ورود کلیدواژه ملت به ادبیات رسمی ایران تالی سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی است، رابطه‌ای تعاملی بین سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی و فرایند ملت‌سازی در ایران معاصر وجود دارد؛ بنابراین محقق با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به تبیین رابطه این دو مقوله می‌پردازد. بر اساس چرخه سیاست‌گذاری، طرح مسئله سیاستی خدمت‌سربازی و ورود به تقویم سیاستی در بخش بیان مسئله تبیین می‌شود. در نهایت، محقق پس از تبیین واکاوی تعامل سیاست‌های خدمت‌سربازی با فرایند ملت‌سازی در ایران، به ایضاح چگونگی تعامل و هماهنگی میان سیاست‌های سربازی و فرایند ملت‌سازی در دو قرن اخیر ایران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: مدل نهادی، چرخه سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی،

ملت‌سازی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری پژوهشگر در رشته سیاست‌گذاری فرهنگی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی است.

* دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی (نویسنده مسئول)
setvat@gmail.com

ghasemi_aliasghar@yahoo.com

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

مقدمه

ملت و کشور ایران از جمله ملت‌های کهن و صاحب تمدن در جهان محسوب می‌گردد. بیش از صد و چهل میلیون نفر از شاخ‌زین در ترکیه تا شبه‌قاره هند به زبان فارسی سره سخن می‌گویند (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۱۲)؛ اما ملت به مفهوم کهن آن منظور نظر پژوهش حاضر نیست، بلکه ملت^۱ به مفهوم مدرن آن، که از تحولات قرن هیجدهم در اروپا آغاز گردید، مورد نظر مطابق این تعریف «ملت عبارت است از یک جماعت متشکل از موجودات انسانی، وارث یک فرهنگ و یک تاریخ مشترک و اراده عموم ملت به این است که با هم تحت قوانین مشابه و در داخل مرزهای مشابه زندگی کنند و دولت ابزار یا وسیله این اراده عمومی باشد و موظف به تحمیل قوانین و نگهداری مرزها باشد» (دلاکامپانی، ۱۳۸۰: ۲۲۰). در پژوهش حاضر تمرکز تحقیق بر فرایند ملت‌سازی و همچنین سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی در ایران است. سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی چگونه به ملت‌سازی در ایران انجامیده است. مقاله، حلقه مفقوده تعریف ملت به مفهوم مدرن را که ایرانیان با سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی از آن برخوردار گردیدند و چگونگی برخورداری از این تعریف جدید را تبیین می‌نماید؛ بنابراین در مقدمه تحقیق ضمن تشریح کلیاتی از تحقیق، طرح مسئله و روش‌شناسی پژوهش ایضاً می‌گردد. چگونگی ورود مسئله ملت‌سازی و خدمت‌سربازی به تقویم سیاستی ایرانیان در تاریخ معاصر به تأثیر و نفوذ غرب در ایران ربط وثیقی دارد. بحران تأثیر و نفوذ غرب از ۱۸۰۰م با فشار نظامی روس و سپس انگلیس آغاز گردید. تغییر چهره ارتش ایلی ایران فقط با تحول در سیاست‌های نیروی انسانی ارتش متصور بود؛ بنابراین سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی در وضعیت جدید برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ایرانی به یک مسئله سیاستی تبدیل گردید. اهمیت تأثیر سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی بر فرایند ملت‌سازی در ایران از آنجاست که هم مرتبط با انسجام اجتماعی جامعه ایرانی در شرایط جدید جهانی است و هم تکوین مفهوم مدرن ملت در ایران را تبیین می‌نماید. همچنین دولت‌ها عموماً به دنبال تربیت و جامعه‌پذیری شهروندان در راستای اهداف و ارزش‌های نظام سیاسی حاکم هستند. به نظر می‌رسد خدمت‌سربازی با تربیت و جامعه‌پذیری شهروندان و تربیت شهروندانی مطیع و مسئولیت‌پذیر در مقابل قانون و دولت، حکومت‌ها را در ایجاد امنیت و انسجام اجتماعی مدد می‌رساند؛ بنابراین تبیین تاریخی از سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی در راستای فرایند ملت‌سازی از اهمیت برخوردار است.

محقق در پژوهش حاضر به سؤال ذیل پاسخ می‌دهد: تأثیر صورت‌بندی و اجرای سیاست‌های (آموزشی، سبک زندگی و نیروی انسانی) خدمت‌سربازی بر فرایند ملت‌سازی در ایران چگونه

بوده است؟

بر اساس فرضیه تحقیق، سیاست‌های خدمت‌سربازی بر فرایند ملت‌سازی در ایران مؤثر بوده است؛ بنابراین متغیرهای مستقل تحقیق مشتمل بر سیاست‌های آموزشی خدمت‌سربازی، سیاست‌های سبک زندگی سربازی، و سیاست‌های نیروی انسانی سرباز در ارتش است. متغیر وابسته نیز فرایند ملت‌سازی در ایران است. رابطه متغیرهای تحقیق بر اساس شمای ذیل است.



مدل مفهومی تحقیق

محقق با استفاده از فکت‌های تاریخی به تبیین سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی و تأثیر آن بر تکوین پدیده ملت در ایران می‌پردازد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات مشتمل بر مطالعه اسناد، مدارک، کتب و سیاست‌های مرتب با خدمت‌سربازی در ایران معاصر است. تجزیه تحلیل نیز با استفاده از فکت‌های تاریخی و تحلیل قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی خدمت‌سربازی انجام می‌گردد.

ادبیات تحقیق

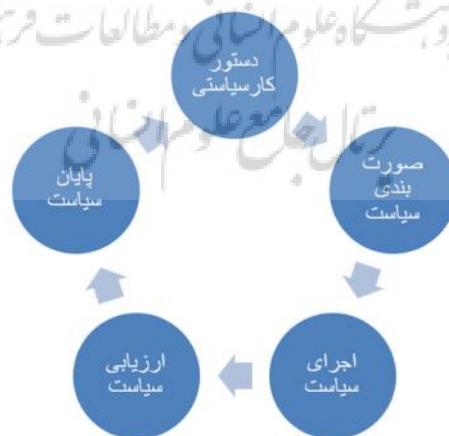
محقق ادبیات تحقیق را بر اساس چرخه فرایندی خدمت‌سربازی در ایران و بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد صورت‌بندی می‌نماید؛ بنابراین پس از تبیین روش داده‌بنیاد و تبیین چرخه فرایندی سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی، به بیان مسئله سیاستی و صورت‌بندی سیاست‌های خدمت‌سربازی در بخش مرور ادبیات تحقیق می‌پردازد.

روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

محقق با بهره‌گیری از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به تبیین تعامل سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی و فرایند ملت‌سازی در ایران معاصر می‌پردازد. هر تئوری که بر اساس این روش تدوین شود بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیان نهاده شده است. نظریه داده‌بنیاد یعنی فرایند یک نظریه مستند از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین فرضیه و آزمون آن هستند (منصوریان، ۱۳۸۵: ۵). نظریه داده‌بنیاد مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه استقرایی در مورد یک پدیده است (نیومن، ۱۹۹۷: ۲۳۴). تحقیق با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع و به تدریج موارد مرتبط پذیرا می‌گردند (کرین و اشتراوس، ۱۹۹۰: ۵۰). به این ترتیب کشف یک نظریه ملت‌سازی بر اساس گردآوری نظام‌مند داده بر بستر سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی در پژوهش حاضر اتفاق می‌افتد.

خدمت‌سربازی در فرایند سیاست‌گذاری

یکی از اصلی‌ترین مدل‌های سیاست‌گذاری با عنوان مدل چرخه‌ای مشهور است. این چرخه از تشخیص و دریافت مسئله آغاز و شکل‌گیری، طراحی و اجرای سیاست (خط‌مشی) را نیز شامل می‌شود. ارزیابی، اصلاح، تغییر و خاتمه سیاست نیز در این چرخه قرار دارد. اینکه چه موضوعاتی و چگونه وارد عرصه سیاست‌گذاری می‌شوند و به خط‌مشی عمومی تبدیل می‌شوند، در داخل این چرخه قابل تحلیل است (دانش‌فرد، ۱۳۹۳: ۲۹). چرخه سیاست‌گذاری مراحل است که سیاست‌گذاری باید طی کند تا به صورت یک فرایند موفق ظاهر گردد. مراحل سیاست‌گذاری بر اساس چرخه ذیل است (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۱۶):



در پژوهش حاضر بحران عدم توازن قوای ارتش ایلی ایران در برابر ارتش روسیه سیاست‌گذاری سربازی را وارد تقویم سیاستی نمود. از آنجا که صورت‌بندی ارتش مدرن در بستر وجود یک واحد ملی مدرن امکان تحقق داشت لذا ملت‌سازی هم وارد تقویم سیاستی ایران گردید.^۱ سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی در مرحله صورت‌بندی در ایران عموماً مبتنی بر قدرت^۲ بوده است؛ یعنی گروه حاکم با تکیه بر توانمندی و از بالا به پایین^۳ به صورت‌بندی سیاست پرداخته‌اند؛ بنابراین تشکیل دولت شبه‌مدرن مقدم بر ملت در ایران بوده است؛ و صورت‌بندی سیاست سربازی نیز آمارانه بوده است.^۴ اجرای سیاست‌های خدمت‌سربازی از دوران عباس میرزا تا پهلوی دوم و تأثیری که این اجرا بر پدیده ملت‌سازی در ایران داشته توصیف می‌گردد. بازیگران اجرا در این مرحله شامل دستگاه دیوانی و جامعه جوان ایرانی می‌باشند. اجرای سیاست سربازی در ایران طی یک قرن اخیر همواره آمارانه بوده است.^۵

خدمت‌سربازی در ایران

سربازی در لغت به معنای باختن سر، جان‌فشانی کردن، تا پای جان در رزم ایستادن و جان باختن است؛ اما در اصطلاح امروزی خدمت دائمی یا موقت در نیروهای مسلح کشورها، سربازی نامیده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱: ۲۲۱).

اوائل سال ۱۵۱۳، فیلسوف ایتالیایی، نیکل ماکیاولی^۶ نسبت به استفاده از سربازان مزدور خارجی انتقاد داشته و ارتشی را فراخواند که از شهروندانی تشکیل شده باشد که جان خود را در راه دفاع از کشور فدا کنند. در سال ۱۷۹۳ با وضع قانون وظیفه عمومی نطفه ارتش در اروپا تکمیل شد (هالستی، ۱۳۸۰: ۹۹). برای اولین مرتبه در تاریخ بود که کل جمعیت یک کشور برای جنگ بسیج می‌شد. این تحول بزرگ از طریق ایجاد نهاد به وقوع پیوست. این امر منجر به تغییراتی بنیادین میان دولت و مردم شد و برخلاف ارتش‌های پیشین، ارتش ناپلئون از شهروند-سربازان وفادار به حکومت مرکزی تشکیل شده بود، اندازه و قدرت مبارزه ارتش فرانسه بعد از انقلاب، قدرت‌های دیگر، اول روسیه و بعد ژاپن را بر آن داشت که از این روش استفاده کنند. آن‌ها موفق به ساختن ارتش‌های بزرگی شدند که البته منجر به افزایش دامنه جنگ‌های گسترده

1. Agenda Setting
2. Power
3. Top-down
4. Policy Formulation
5. Policy Implementation
6. Niccolo Machiavelli

می‌شد و در جنگ‌های اول و دوم جهانی این گستردگی به اوج خود رسید. به عقیده چارلز تیلی^۱ در آن زمان «جنگ‌ها عامل ساخت دولت‌ها و دولت‌ها عامل اصلی جنگ بوده‌اند» (Charles Tilly, 1992: 69).

بسیاری از مستعمرات سابق از خدمت اجباری به‌عنوان ابزاری برای ساختن نیروی ارتش استفاده کردند که حس میهن‌پرستی را به مردمی که با مفهوم وفاداری به کشور و قانون آشنایی نداشتند، به تدریج تزریق می‌کرد. در نتیجه، بسیاری از رهبران جدید به ارتش به‌عنوان نهاد بالقوه و یا مدرسه ملت نگاه می‌کردند. آوردن بخش‌های بزرگی از جمعیت مردان به این نهاد، موقعیتی را فراهم آورد تا آنان را با اندیشه میهن‌پرستی و نظم مدنی آشنا کنند و این سرآغاز ملت شدن یک اجتماع در جغرافیای سرزمینی خاصی بود.

خدمت سربازی در ایران به دلیل پیوند آن با مقوله ملت‌سازی از آغاز قرن نوزدهم و دوران قاجار مورد تحلیل قرار می‌گیرد. تأمین سرباز با تکیه بر قاعده بنیچه^۲ بود. تا دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه عضویت در ارتش به دو روش داوطلب و اجباری بود، امیرکبیر کوشید سربازی داوطلبانه را لغو و بر پایه قانون بنیچه استخدام سربازان به‌صورت اجباری صورت بگیرد (علی‌بابایی، ۱۳۸۲: ۱۹۶). از طرف دیگر در بیشتر سال‌های سده نوزدهم نیروهای مسلح از یک نیروی ویژه سلطنتی، یک نیروی مسلح مردمی، یک سواره‌نظام قبیله‌ای و یک ارتش جوان با عنوان نظام جدید تشکیل می‌شد (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۷). نیروی ویژه سلطنتی تحت فرمان اشراف قاجار بود. نیروی مسلح مردمی به شکل نیروهای منطقه‌ای درآمده بود. نیروی مسلح مردمی از شیعیان هر منطقه، تحت فرمان افسران محلی و با مالیات‌های محلی تأمین می‌شد. این سربازان فاقد نظم بوده و فقط از رؤسای خود حمایت می‌کردند. نیروی سواره‌نظام از عشایر و تحت فرمان رئیسی از ایل خود بود. این سربازان، وظیفه خود را به‌ندرت انجام می‌دادند مگر اینکه به آن‌ها وعده غارت و چپاول داده می‌شد (Malcolm, 1815: 357). این رفتار نشان تحقق‌نیافتگی مفهوم جدید ملت در ایران بود. هنگامی که قبیله‌ای هويت خود را در داخل نیروهای سلطنتی حفظ می‌کردند. چون بیشتر افراد ارتش از نیروهای قبایل مختلف بودند افراد هر قبیله در دسته‌های جداگانه جمع می‌شدند (Morier, 1812: 214). نظام جدید که برای مقابله با قبیله‌گرایی نیروهای سنتی طراحی شده بود به علت شیوه‌های سربازگیری به تدریج به همان مشکل گرفتار شد. نیروهای پیاده‌نظام جدید پایتخت که لقب جانباز داشتند از ایلات قاجار و تیره‌های ساکن کوهستان‌های مازندران بودند. اعضای نیروی پیاده‌نظام جدید آذربایجان که سرباز نامیده می‌شدند از ایلات گوناگون محلی گرد آمده بودند. به این ترتیب نهاد ایل

1. Charles Tilly

۱. بنیچه تعهد هر ایالت مبنی بر آماده کردن عده معینی سرباز برای حکومت در زمان قاجار بود. مطابق این روش اجرایی مردم (رعیت) به تناسب مالیات بر آب و خاک عده معینی سرباز به حکومت می‌دادند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱: ۶۷).

پایه اصلی سربازی در ایران را تشکیل می‌داد. نوعی تمایل به شورش و طغیان دائمی که کنشی ملت‌ستیزانه است در سربازان ایلیاتی در ارتش وجود داشت (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۸). شاهان قاجار به علت مشکلات مالی نتوانستند ارتش دائمی قدرتمندی ایجاد کنند؛ زیرا دسته‌های سواره‌نظام تحت فرماندهی مستقیم خوانین ایلیاتی مستقل باقی ماندند. رهبری هر دسته سواره‌نظام با رئیس ایل بود و اعضای آن از یک ایل بودند. به همین دلیل این افراد علاقه بیشتری به طایفه خود دارند تا به شاه یا ارتش. در سال‌های ۱۹۰۷ به بعد واحد توپخانه در ارتش ایران دارای چهار اراده توپ بود. بریگاد قزاق که در سال ۱۲۵۸ خ تشکیل شده بود، دو هزار نفر را در برمی‌گرفت. دولت در تقویت نیروی نظامی شکست خورده بود اما از سال ۱۲۵۰ خ به بعد و با قاچاق سلاح‌های انگلیسی قدرت نسبی قبایل افزون شده بود. قبایل جنوب سلاح‌های جدید دریافت کرده و مجهزتر از نیروی دولتی بودند و در نتیجه حکومت را با حربه در اختیار گرفتن سلطنت تهدید می‌کردند؛ بنابراین وقتی که ناصرالدین‌شاه به صدر اعظم خود شکایت می‌کند که «من نه ارتش درست و حسابی دارم و نه مهماتی برای تجهیز یک ارتش مناسب» (خاطرات امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۷۷)؛ در بیان موقعیت مخاطره‌آمیز نظام سیاسی حاکم مبالغه نمی‌کند.

با تجربه مهم بالا رضاخان سامان ارتش مدرن ایران را با سیاستی جدید آغاز کرد. به این ترتیب ارتش مدرن در ایران از سال ۱۳۰۰ خ با ترکیب قوای قزاق، پلیس جنوب و ژاندارمری با نظام سربازی اجباری تشکیل گردید (کرونین، ۱۳۷۷: ۴۴۳). چون کشور در اوایل قرن حاضر پراکنده و از هم‌پاشیده بود، سیاست‌گذاران خدمت‌سربازی اجباری در پی تأمین امنیت و تسریع فرایند ملت‌سازی در ایران بودند. مجلس پنجم شورای ملی در سال ۱۳۰۴ خ ضمن لغو بنیچه، تصویب نمود که «کلیه اتباع ذکور ایران اعم از سکنه شهر و قصبات و قراء و ایلات و متوقفین در خارج از ایران از اول سن ۲۱ مکلف به خدمت سربازی می‌باشند». به این ترتیب مقرر گردید که تمام افراد ذکور ایران در سن ۲۱ سالگی به مدت دو سال تحت تعلیمات نظامی در ارتش قرار گیرند (سرلشگر فرید، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

سربازی در ایران طبق قانون، برای یک دوره خدمت اجباری (زیر پرچم)، یک دوره احتیاط (شش ماهه) و همچنین به شیوه سربازی پیمانی و همچنین سپاه دانش (در دوران پهلوی دوم) و سرباز معلمی در دوران جمهوری اسلامی انجام می‌گیرد. نظامیان وظیفه، تبحر و کارکشتگی نظامیان حرفه‌ای را ندارند اما مزیت عمده آنان جوانی و چابکی آنان است.

ملت‌سازی در ایران

قبل از ظهور مفهوم دولت اساساً مفهوم ملت وجود نداشته، انگاری که در واقع مفهوم ملت

چیزی جز نتیجه یک اختراع دولت نبوده است (دلاکامپانی، ۱۳۸۰: ۲۲۱). در اوایل قرن هفدهم، کلمه «Nation» را برای ساکنان یک کشور به کار می‌بردند و از ملت زمانی یاد می‌گردد که دولت‌هایی به وجود می‌آیند با سرزمین‌های مشخص و باشندگانی دارای تابعیت آن‌ها. این «ملت سیاسی»، امری کم‌وبیش قراردادی است. بسیاری از صاحب‌نظران، انقلاب فرانسه و میلیتاریسم و تشکیل ارتش مدرن ناپلئونی را نقطه آغاز تکوین ملت به مفهوم مدرن می‌دانند (کاتم، ۱۳۷۱: ۲۳). فرانسویان در میان دیگر اروپاییان، بیشتر از همه میراث‌دار این تفکرند که هستی ملت به دولت و تابعیت آن وابسته است. در عصر کنونی به مردمی «ملت» خطاب می‌شود که در «محدوده جغرافیایی واحد»، تحت اداره «نظام سیاسی واحد» و بر محور «منافع مشترک ملی» خویش با هم زندگی می‌نمایند و برای «ترقی و پیشرفت اقتصادی» و «رشد و باروری فرهنگی»‌شان کار می‌کنند. مطابق این تعریف نهادهای رسمی و نهادهای اجتماعی در تکوین پدیده ملت مؤثر می‌باشند. از سوی دیگر نیروی اصلی و عمده پیونددهنده ملت، از احساس تعلق قوی به تاریخ، فرهنگ، زمین و نیز زبان مشترک برمی‌خیزد (کریژل، ۱۳۸۰: ۸۷).

به نظر دانشمندان علوم سیاسی ملت‌هایی را هم می‌توان یافت که به‌عنوان یک جماعت تاریخی و دارای بافت فرهنگی خاص‌اند، اما بدون خودمختاری سیاسی یا داشتن دولت هستند، شاید ملت‌گرد بهترین نمونه برای این اصل باشد (کاتم، ۱۳۷۱: ۱۲۱). در اینجا پدیداری ملت در بستر یک نهاد اجتماعی شکل می‌گیرد؛ بنابراین در «ملت مدنی» تشکیل دولت ملی و داشتن قدرتی یا دولتی متعلق به خود، ضرورت ندارد؛ بنابراین شاخص‌های عمده پدیداری ملت به این شرح است: «ملت محصول زندگی مشترک طولانی مردم است، ملت از نظر تاریخی جماعتی باثبات است، بنا به اراده بزرگ و کوچک نمی‌شود، ملت ممکن است موجودیت سیاسی مستقلی داشته باشد یا بخشی از یک دولت مستقل چندملیتی باشد، ملت پدیده‌ای تاریخی، سیاسی و فرهنگی است» (عالم، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

امروزه «فرهنگ مشترک» مهم‌ترین عامل شناسایی یک ملت است و نقشی تعیین‌کننده دارد. فرهنگ مشترک محصول «روان مشترک ملی» است. چنانچه فرهنگ را ساخت‌وسازهای مادی و معنوی یک ملت بدانیم، اشتراک در روح معانی این ساخت‌وسازها واضح‌ترین عامل شناسایی ملتی خواهد بود که آن فرهنگ را پدید آورده است. بر این اساس ملت می‌تواند دارای چندین قومیت، زبان، نژاد، مذهب و... باشد و با وجود همه این ناهمگونی‌ها به‌عنوان یک ملت شناخته شود.

«زبان» هم در فرایند ملت‌سازی از اهمیت برخوردار است. زبان است که با حضور سرزنده و پرتحرکش و وحدت بیرونی و درونی‌اش، اندیشیدن را ممکن می‌گرداند و بدین‌گونه ملت را

می‌آفریند. صراحت، قاطعیت و تحرک زبان است که ملتش را زنده نگه می‌دارد. ملت فرهنگی که بیشتر به وسیله زبان مشترک تعریف می‌گردد زبان را ویژگی اصلی یک ملت طبیعی می‌داند که به وسیله آن از ملت‌های دیگر جدا و متمایز می‌گردد. زبان ابزار بی‌بدیل روایت‌گری است، هویت ملی به وسیله تاریخ و روایت تداوم پیدا می‌کند و به واسطه روایت‌گری ساخته و پرداخته می‌شود و سپس به صورت خاطره‌ای جمعی درمی‌آید و حاصل تداوم تاریخی یک ملت و بخش مهم فرایند ملت‌سازی است.

با تدقیق در عناصر تشکیل‌دهنده ملت، نهادمند بودن پدیده ملت عیان به نظر می‌رسد؛ بنابراین کلان‌نهاد ملت در فرایندی تاریخی شکل می‌گیرد. اساساً مناسک دینی و قومی، زبان مشترک و دفاع در مقابل تهدیدات مشترک در ساخت پدیده ملت مؤثر بوده است. بنابراین ملت به مثابه یک کلان‌نهاد هم در فرایند تکوین متأثر از سایر نهادهای اجتماعی بوده است و هم بر فرایند نهادسازی اثرگذار بوده است.

سربازی به عنوان یک نهاد مدرن اجتماعی و رسمی در بالندگی کلان‌نهاد ملت مؤثر بوده است. چون این نهاد متکی بر دغدغه‌های امنیتی یک ملت شکل گرفته و همچنین با ایجاد انسجام ملی از طریق مناسک و سبک زندگی سربازی بر ملت‌سازی نیز مؤثر بوده است.

در سروده‌ها و نوشته‌های پارسی همه‌جا ملت در پهلو و یا در عوض دین و مذهب به کار می‌رود: «و ملت حق را به اقطار و اکناف جهان برسانیدند و محاسن این کتاب را نهایت نیست و کدام فضیلت ازین فراتر که از امت به امت و از ملت به ملت رسید و مردود نگشت» (نصرالله منشی، ۱۳۶۴: ۳). در نزد ایرانیان که کلیه آثار حماسی اسطوره‌ای و تاریخی آن حکایت از وجود کلیتی دارد به نام ملت؛ کلیتی که نشوونما و ایست و زیست فرد در آن بوده و هست و قرار است در آینده باشد (کاتم، ۱۳۷۱: ۱۱). کلیه عناصر و عوامل سازنده مفهوم ملت از دیرباز در ایران وجود داشته و دستاوردهای ادبی و فرهنگی در دوران‌های مختلف محصول این وضعیت است. کلیدواژه ملت در عصر جدید به قلم میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در رساله دفتر تنظیمات با فصل حقوق ملت آغاز شد. «همه افراد در برابر قانون حکم مساوی دارند؛ هیچ شغل و منصبی موروثی نیست» (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۱). دولتی که حفظ حقوق افراد ملتش را واجب نداند دیگر از آن رعیت توقع اطاعت و فدویت نداشته باشد... ناپوستگی ملت و دولت را حکومت قانون و دخالت مردم در حکومت چاره‌گر است (میرزا یعقوب‌خان، افزایش ثروت، ۱۲۹۰ق). رساله دفتر تنظیمات رویکردی نهادی و با تأکید بر شکل‌گیری نهادهای رسمی و حقوقی و قانونی به تعریف ملت دارد و در راستای ملت‌سازی، تربیت ایلات را به شاه گوشزد می‌نماید: ایلات چادرنشین ایران با اینکه نصف خلق ایران هستند... به قدر استحقاق محل الثفات دولت نیستند. سزاوار است دولت یک وزارت مخصوص برای آن‌ها دایر کند

و از اطفال رؤسای آن‌ها در دارالفنون تربیت شوند (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۰۴). مفهوم جدید وطن و ملت را بیش از هر کس مشیرالدوله در نوشته‌های رسمی این دوره وارد ساخت و توجه داشت که مفهوم رعیت را به ملت تغییر دهد (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۳۰). بدین ترتیب در اصلاحات عصر سپهسالار عناصر اصلی اندیشه ترقی و تغییر اجتماعی عبارت بودند از: تمایز جامعه از دولت، تبدیل مفهوم رعیت به ملت و تغییر رابطه فرد و دولت بر پایه حق و تکلیف. سپهسالار تشکیل نهادهای جدید در راستای ایجاد این تغییر بزرگ را در دستور کار قرار داد. روح فلسفه دولت سپهسالار تغییر در جهت ترقی بود. نگرش او صرف عقلی بود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۴۶). در رویکرد نهادساز سپهسالار، پیوند ناسیونالیسم و اندیشه ترقی از دو جهت است، یکی از جهت فرضیه حاکمیت ملی به معنای دقیق آن، دیگر از جهت گرایش به مدنیت غربی. مذهب ناسیونالیسم به‌عنوان یکی از عوامل عمده تحول مغرب و مشرق در قرن گذشته است... در مشرق فکر اخذ تمدن اروپایی با نمو ناسیونالیسم و هشیاری تاریخی توأم بود. مشرق‌زمینیان غربگرا نبودند و باور به برتری تمدن فرنگی نداشتند بلکه محرک گرایش به غرب آنان مجهز گردیدن به فن و دانش غربی برای دفع تجاوز غرب بود. همین عامل نیروبخش ناسیونالیسم در شرق گردید. در زمره اهل دولت بیش از هر کس سپهسالار و مستشارالدوله بودند که مفهوم اجتماعی و سیاسی وطن و ملت را نشر دادند (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۶۱). از آنجاکه رویکرد تغییرات سپهسالار رویکردی نهادی بود بنابراین فرایند ملت‌سازی نیز در تعامل با نهاد سربازی صورت تحقق یافت. سخن ملک‌مخا و مشیرالدوله و سپهسالار در واقع طرح مسئله فرایند ملت‌سازی در ایران بود. به‌این ترتیب فرایند ملت‌سازی به‌عنوان یک پدیده مدرن در ایران هم‌زمان با تشکیل ارتش مدرن و سیاست‌گذاری جدید خدمت سربازی تسریع گردید. به نظر می‌رسد سیاست‌های خدمت سربازی و در واقع نهادسازی حاکمیت در ایران برای تأمین امنیت کشور در سطح کلان و خرد بر پدیده ملت‌سازی در ایران مؤثر بوده است و یک هم‌پیوندی معنادار بین سیاست‌گذاری خدمت سربازی و تکوین مفهوم مدرن ملت در ایران عصر حاضر و مخصوصاً در تحولات عصر قاجار و پهلوی وجود دارد؛ بنابراین محقق پس از تبیین مفاهیم «ملت» و «سربازی» با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و چرخه فرایند سیاست‌گذاری در پی تبیین چگونگی تأثیر سیاست‌های خرد و کلان سربازی بر فرایند ملت‌سازی در ایران است.

مسئله سیاست‌گذاری سربازی در ایران^۱

چگونگی ورود مسئله سربازی به تقویم سیاست‌گذاری در ایران گردید و اتصال آن به پدیده ملت‌سازی با بحران نظامی و تجاوز دشمن خارجی آغاز گردید. روس‌ها که به سلاح‌های

جدید مجهز بودند با عبور از آسیای مرکزی و قفقاز نیروهای متفرقه قبیله‌ای ایران را به راحتی شکست دادند و معاهده گلستان ۱۱۹۲/۱۸۱۳ و ترکمانچای ۱۲۰۷/۱۸۲۸ را به فتحعلی‌شاه تحمیل کردند. بریتانیا نیز با اشغال جنوب ایران قرارداد پاریس و انتزاع افغانستان از ایران را به شاه ایران تحمیل کرد. در جنگ‌های روسیه علیه ایران (۱۸۰۶-۱۸۲۶ م) استراتژی سنتی قبیله‌ای در برابر توپخانه متحرک کارایی نداشت (کمالی، ۱۳۸۱: ۹۱)؛ بنابراین اصلاح این وضعیت در ارتش و ملت‌سازی بر پایه ارتش مدرن برای عباس‌میرزا، امیرکبیر و سپهسالار یک مسئله سیاستی بود.

بحران شکست از دشمن خارجی و عدم توازن در مؤلفه‌های قدرت ملی در رساله دفتر تنظیمات به قلم ملکم خان به «جهالت و بی‌تدبیری گذشتگان در فن اداره مملکت» تعبیر می‌شود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۲۹). ملکم در این رساله می‌نویسد دولت ما بیمار و ناخوش خطرناک است. بزرگان قوم بر اثر عدم لازمه شعور بر خطر حالت دولت ملتفت نیستند... گاه جهل ملت مانع پیشرفت شهریان عاقل گشته، گاه غفلت پادشاهان سد ترقی ملت بوده است (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۰). بحران خارجی بعدی موضوع قراردادهای استعماری با شرکت‌های انگلیسی در قرن نوزدهم بود. قرارداد رویترو قرارداد رژی از این دست قراردادهای بحران‌زا و مسئله‌ساز در سطح ملی بود. ایرانیان برای اولین بار در تظاهرات ضد حکومتی جنبش تنباکو شعار زنده‌باد ملت سر دادند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۴)؛ بنابراین نهاد کلان دولت در معرض انتقاد تند جریان روشنفکری زمانه قرار داشت.

با حدوث بحران شکست نظامی از دشمن خارجی، ملت‌سازی به مفهوم مدرن در ایران یک وضعیت حادث بود نه نتیجه یک برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان؛ وقتی که یک خطر مانند تجاوز خارجی وارد تقویم سیاستی می‌گردد نیازمند راه‌حل آنی و فوری برای دفع خطر است. با گذشت زمان این مسئله سیاستی پیچیده‌تر، گسترده‌تر و از درجه اهمیت و نفوذ بالاتر برخوردار گردید. به این ترتیب مسئله سربازی و در پی آن ملت‌سازی هیچ‌گاه گریبان فرایند سیاست‌گذاری در ایران را رها نکرد.

خدمت‌سربازی اجباری، اجرای مناسک نظامی و گویش همه اقوام به زبان فارسی چگونه منجر به ایجاد هنجار مشترک ملی و ملت‌سازی می‌شود؟ برای پاسخ به رابطه سیاست‌های خدمت‌سربازی و فرایند ملت‌سازی در ایران فرایند چگونگی صورت‌بندی سیاست خدمت‌سربازی بر اساس روش داده‌بنیاد به ترتیب ذیل تبیین می‌گردد: ابتدا مقوله‌هایی مانند "سیاست‌های نیروی انسانی"، "سیاست‌های آموزشی" و "سیاست‌های سبک زندگی" خدمت‌سربازی تعریف می‌گردد؛ سپس در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و پیوند میان آن‌ها رمزگذاری محوری انجام

می‌گردد. در این رمزگذاری محوری مفاهیمی استخراج می‌گردد که مؤثر بر پدیده ملت‌سازی است و در نهایت در مدل نهایی تحقیق این مقوله‌ها هم‌پیوند می‌گردند.

صورت‌بندی سیاست سربازی در ایران^۱

عباس‌میرزا برای پاسخ به بحران شکست از دشمن خارجی دغدغه صورت‌بندی یک سیاست نظامی و ملی جدید داشت. او تحت تأثیر الگویی بود که به نام نظام جدید توسط سلطان سلیم سوم در امپراتوری عثمانی به کار گرفته شده بود. عباس‌میرزا با اذعان به ناکارآمدی سواره‌نظام قبیله‌ای که به تحقیر «اراذل و اوباش» خطابشان می‌کرد، برنامه نوسازی را آغاز کرد. او به‌عنوان حاکم تبریز شروع به استخدام تعدادی نیروی نظامی دائمی کرد که دستمزد دریافت می‌کردند و لباس متحدالشکل می‌پوشیدند. آن‌ها طبق الگوی اروپایی تعلیم می‌دیدند و به سلاح‌های جدید مثل تفنگ و توپ مجهز بودند. او می‌خواست با تعلیمات منظم و انضباط محکم و سخت یک ارتش حرفه‌ای بسازد که الگویی برای ارتش ایران باشد. عباس‌میرزا برای تجهیز ارتش جدید یک کارخانه توپ‌ریزی و یک کارخانه تفنگ‌سازی در تبریز راه انداخت و یک دفتر ترجمه برای تهیه جزوه‌های راهنما تأسیس کرد (Abrahamian, 1982: 2). او تعدادی دانشجو به اروپا فرستاد و تعدادی کارگر به روسیه فرستاد و نخستین مطبوعات چاپی را در تبریز به راه انداخت. وی همچنین اصلاحاتی در دستگاه اداری آغاز کرد، از جمله پرداخت‌های دربار را کاهش داد و شیوه پرداخت مزد به کارمندان دولتی را اصلاح کرد. عباس‌میرزا برای حمایت از صنایع داخلی، بازرگانان و سایر بازاریان، تعرفه‌های حمایتی را بالا برد و محدودیت‌هایی بر کالاهای خارجی وضع کرد. اصلاحات عباس‌میرزا سه نهاد دربار، ارتش و بازار را متأثر کرد (کمالی، ۱۳۸۱: ۹۲). رویکرد عباس‌میرزا در تغییرات جدید رویکردی نهادی بود؛ به‌عبارت دیگر، در راستای ایجاد تغییر در نهاد ارتش، نهاد دربار و نهادهای اقتصادی و فرهنگی نیز موضوع تغییر قرار گرفته‌اند. این تغییرات بدون درک مشترک ملی و دغدغه نسبت به بحران مشترک ملی پیشرفتی نخواهد داشت و درک مشترک ملی بعد مهم فرایند ملت‌سازی است. سیاست‌های اصلاحی عباس‌میرزا در ارتش توسط امیر کبیر ادامه یافت. ارتش جدید نقش مهمی در شکست شورش‌های داخلی در این دوره داشت. نهاد ارتش با ایجاد قانون نظام‌وظیفه تقی‌خانی تقویت گردیده بود. بعدها سپه‌سالار آیین مشورت را وارد ارکان نهاد ارتش کرد. گذشته از آنکه اصل اکثریت آراء بر تصمیمات هیئت‌وزیران حاکم شد، در هر شغلی که داشت گروه مشورتی برپا کرد. در وزارت جنگ مجلس شورای نظامی و مجلس تحقیق نظامی ایجاد

کرد (کمالی، ۱۳۸۱: ۲۱۱). سیاست‌گذاری دیگر سپه‌سالار اصل مهم جدایی کار لشکر و کشور بود. رشته کار این دو اداره از نظر کلی از یکدیگر موضوع و جداست. به این ترتیب که رئیس نظام به هیچ وجه و بهانه‌ای به امورات ولایتی از قبیل مالیات و تعیین ضابط و نواب و سایر کارهایی که بر عهده حاکم است نباید مداخله نماید؛ و همچنین حاکم به هیچ وسیله‌ای به امورات قشونی نباید مداخله نماید (کمالی، ۱۳۸۱: ۲۲۶). تفکیک امور لشکری و کشوری از منظر نهادی دارای اهمیت ویژه است، همچنین سیاست‌گذاری دولت سپه‌سالار در راستای مبارزه با رشوه و فساد که دامنگیر نهاد سربازی در این دوران است، شایسته توجه است. بعد از استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی نخستین قانون رسمی سربازگیری در ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۳۳ ه. ق. وضع و به تصویب مجلس رسید. صورت‌بندی قانون جدید سربازگیری (اجباری) تغییری مهم در صورت‌بندی سیاست‌های سربازی در ایران است. پیش‌فرض پژوهش حاضر بر نافذ بودن نهاد سربازی بر پدیده ملت‌سازی در ایران است، ملاحظه می‌گردد که نهاد مجلس در ایران در راستای تقویت نهاد سربازی به تصویب قانون ملی می‌پردازد؛ بنابراین مطابق چرخه فرایند سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی و با استفاده از روش داده‌بنیاد، به چگونگی اجرای سیاست‌های خدمت‌سربازی در راستای فرایند ملت‌سازی در ایران پرداخته می‌شود.

اجرای سیاست سربازی در ایران^۱

اجرای سیاست‌های جدید سربازی توسط پهلوی اول قبل از تصویب قانون سربازی جدید (نظام سربازی وظیفه) آغاز شده بود. رضاشاه به ارتش مدرن به عنوان پایه اصلی نظام جدید خود تکیه کرد. هنگامی که بودجه دفاعی سالانه از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ بیش از پنج برابر شد و قانون سربازگیری موجب افزایش امکان دسترسی به جمعیت-نخست در روستاها، سپس در شهرها و سرانجام در قبایل - شد؛ شمار افراد نیروهای مسلح از پنج دیویزیون که در مجموع ۴۰۰۰۰ نفر را در برمی‌گرفت، به هیجده دیویزیون (۱۲۷۰۰۰ نفر) رسید. این ارتش با یک نیروی هوایی کوچک، یک هنگ مکانیزه شامل ۱۰۰ تانک و چند کشتی جنگی در خلیج فارس تکمیل شد (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۶۹). خدمت سربازی اجباری پتانسیل مهمی برای توسعه در اختیار رضاخان قرار داد. نهادسازی در سازمان ارتش با تکیه بر نیروی انسانی سرباز وظیفه توسعه پیدا کرد و سه نیروی هوایی، زمینی و دریایی تشکیل گردید. بعدها پهلوی دوم سیاست توسعه ارتش با بهره‌گیری از نیروی انسانی سرباز را پی گرفت. وی شمار نظامیان را از ۲۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۴۲ به ۴۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۶ خ رساند. نیروی زمینی ارتش از ۱۸۰ هزار به ۲۰۰ هزار

نفر، ژاندارمری از ۲۵۰۰۰ نفر به ۶۰ هزار نفر، نیروی هوایی از ۷۵۰۰ نفر به ۱۰۰ هزار نفر، نیروی دریایی از ۲۰۰۰ به ۲۵ هزار نفر، کماندوهای ویژه از ۲۰۰۰ به ۱۷ هزار نفر و گارد شاهنشاهی از ۲۰۰۰ به ۸۰۰۰ نفر افزایش یافت (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۳۵). اجرای سیاست‌های خدمت سربازی در فرایندی ملت‌محور امکان تحقق داشت؛ یعنی باید فرهنگ قبیله‌ای سربازی‌گریز و قانون‌گریز به فرهنگ پذیرش هنجارهای قانونی و ملی باید تبدیل می‌شد. از جانب دیگر اجرای سیاست‌های خدمت سربازی نیز این فرایند هنجارسازی ملی و به عبارتی پدیده ملت‌سازی را تسریع می‌کرد. نهاد کلان دولت متولی اجرای سیاست‌های خدمت سربازی بود، بنابراین سیاست‌های سبک زندگی، سیاست‌های نیروی انسانی و سیاست‌های آموزشی خدمت سربازی در راستای ملت‌سازی از اهمیت برخوردار است و محقق با تبیین این مقوله‌ها، مفاهیم منتهی به پدیده ملت‌سازی از آن‌ها را ایضاح می‌نماید.

یکم- سیاست‌های آموزشی خدمت سربازی در ارتش

پیامد مهم ایجاد نهاد ارتش منظم و متحدالشکل یکنواخت کردن سامانه آموزش ارتش و بالطبع آموزش سربازی در پادگان‌های نظامی بود. هم‌زمان با تشکیل پادگان‌های نظامی در سراسر کشور مراکز آموزشی سربازی وظیفه نیز در نهاد ارتش برای آموزش و تربیت نیروی انسانی وظیفه پیش‌بینی گردید. سامانه آموزشی در نهاد ارتش به‌عنوان مدرسه بزرگ ملت که باید به تربیت و آموزش آحاد شهروندان ذکور ایرانی می‌پرداخت بر بنیاد محیط آموزشی و برنامه آموزشی این پادگان‌ها شکل گرفت. آموزش بر اساس سه مؤلفه مهم زمان‌مندی و برنامه‌محوری، زبان مشترک و مکان آموزشی استاندارد به پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی می‌پرداخت.

مهم‌ترین پادگان‌های آموزشی نهاد ارتش برای سربازان وظیفه که وظیفه مهم آموزش و تربیت ملی فرزندان جوان ملت را بر عهده دارند، طراحی گردیده و برای آموزش مقدماتی انفرادی دانش‌آموزان کادر ثابت و افراد وظیفه از سال ۱۳۳۶ تاکنون فعال‌اند؛ این پادگان‌ها عبارت‌اند از مرکز آموزش (۰۱) در پادگان افسریه (فرح‌آباد سابق) تهران، مرکز آموزشی ۰۲ چهل دختر در لرستان، مرکز آموزشی ۰۳ عجب‌شیر، مرکز آموزش ۰۴ بیرجند، مرکز آموزشی ۰۵ کرمان.

در پادگان‌های آموزشی، نیروی انسانی وظیفه در طی دوران خدمت به تناسب سواد و تحصیلات و در یک چرخه نهادی که از مبانی فرایند ملت‌سازی است، از آموزش‌های تخصصی و مدرن برخوردار می‌گردند. برنامه و سیاست‌های آموزشی مؤلفه دوم و مهم‌ترین مؤلفه سیاست‌گذاری آموزشی سربازی است. تخصص‌های آموزشی سربازان وظیفه عبارت‌اند از آموزش موسیقی که

همواره مورد توجه فرماندهان نظامی بود، در سال ۱۲۴۹ خ در دارالفنون کلاس موزیک تشکیل شد و در سال ۱۳۰۷ مدرسه موزیک یادشده ارتقاء یافت و سربازان وظیفه در تخصص موزیک مورد آموزش قرار می‌گرفتند، در سال ۱۳۱۰ خ آموزشگاه افسران وظیفه برای مضمولان دیپلم به بالا تأسیس شد (تاریخ ارتش نوین ایران، ۲۰۱۵: ۲۴۱)، همچنین برای تقویت نیروی انسانی وظیفه ارتش مراکز آموزش پشتیبانی خدمات رزمی، مراکز پشتیبانی اداری، مرکز آموزش دارایی، مرکز آموزش مخابرات، مرکز آموزش مهندسی، مرکز توپخانه و موشک‌ها، و مرکز آموزش زرهی به وجود آمد. به این ترتیب با تثبیت و اعزام نظام‌مند سربازان وظیفه طبق برنامه و در ساحتی ملی، برنامه‌ای منظم با وحدت رویه در یک چارچوب نهادی برای آموزش سربازی در نهاد ارتش تدوین گردید. این سیاست آموزشی در راستای سیاست وحدت نهاد ارتش بود. به نظر می‌رسد سیاست وحدت و انسجام و انضباط در سازمان ارتش مبنایی تربیتی و فرهنگی برای ایجاد انسجام ملی در کشورهای دارای تجربه ملت‌سازی مانند فرانسه بود و به همین ترتیب این سیاست در ایران نیز اجرایی گردید. آموزش سربازان با هدف تغییر رفتار آنان به‌عنوان فرزندان ملت طراحی گردید. دلیل وجود هر نظام آموزشی تحقق بخشیدن به هدف‌های آن نظام است...؛ زیرا بر اساس هدف‌های آموزشی است که برنامه‌ریزی آموزشی شکل می‌گیرد (شعبانی، ۱۳۸۰: ۱۳۹). تدقیق در اهداف آموزشی ناظر بر دغدغه سیاست‌گذار در راستای ایجاد هنجارهای مشترک ملی است؛ بنابراین آیین‌نامه آموزشی سربازی از اهمیت برخوردار است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- بند ی: ارائه آموزش‌های مقدماتی نظامی مورد نیاز یگان‌ها بر مبنای مأموریت و شرح وظایف مربوطه به‌منظور به‌کارگیری کارکنان وظیفه.

آموزش کارکنان وظیفه در دو مرحله اجرا می‌گردد، مرحله اول آموزش رزم مقدماتی نظامی در مراکز و یگان‌های آموزشی رزم وظیفه نیروها، مرحله دوم آموزش‌های تخصصی کارکنان وظیفه دیپلم و بالاتر در مراکز آموزشی تخصصی یگان‌های نظامی ارتش.

برنامه آموزشی و مکان استاندارد آموزشی برای ایجاد زبان مشترک ملی در شهروندان ذکور کشور به‌عنوان سرباز از اهمیت برخوردار است. زبان ظرفی است که در بستر آن انسان‌ها با یکدیگر و با مردمی که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند، ارتباط برقرار می‌کنند، و دارای فرهنگی مشترک می‌شوند. زبان، ما را به هم‌زبانی‌هایمان پیوند می‌دهد و بدون یک زبان مشترک، انسان‌ها هرگز نمی‌توانند به همبستگی و توافق دست یابند و در نتیجه هرگونه سامان و نظم امکان‌پذیر نیست. سیاست‌های آموزشی خدمت سربازی هم قومیت‌ها و گویش‌های مختلف محلی را به تکلم به زبان مشترک فارسی هدایت می‌کرد و هم افق معنایی مشترک در حوزه زبان فرهنگی ایجاد می‌نمود. ایجاد زبان مشترک نظامی و زبان مشترک تخصصی طی دو

مرحله آموزش عمومی و تخصصی منجر به ایجاد هنجارهای مشترک و تقویت پیوندهای سازمانی می‌گردد؛ بنابراین یک هویت مشترک سازمانی شکل می‌گرفت. سازمان نیز مانند کلیدواژه ملت مفهومی مدرن است و نهادینه شدن هنجارهای ملی در سازمان افراد را در راستای ملت شدن و داشتن دغدغه مشترک نسبت به تهدیدات آماده می‌کرد. به این ترتیب فرایند ایجاد هنجارهای مشترک ملی طی آموزش‌های دوران سربازی ایجاد می‌گردد.

دوم- سیاست‌های سبک زندگی خدمت سربازی در ارتش

سبک زندگی کنشگران اجتماعی عامل مهمی در جهت شناسایی زندگی فردی و اجتماعی و گرایش آن جامعه به هنجار، قانون و حکومت مستقر است. سبک زندگی^۱ به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه است. این اصطلاح نخستین بار توسط آلفرد آدلر روان‌شناس اتریشی استفاده شد.^۲ سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، و آگهی‌ها همگی تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. در بیشتر مواقع مجموعه عناصر سبک زندگی در یک جا مانند یک پادگان نظامی جمع می‌شوند و افراد در یک سبک زندگی مشترک می‌شوند. به نوعی گروه‌های اجتماعی اغلب مالک یک نوع سبک زندگی شده و یک سبک خاص را تشکیل می‌دهند. سبکی شدن زندگی با شکل‌گیری فرهنگ مردم رابطه نزدیک دارد. مثلاً می‌توان شناخت لازم از افراد جامعه را از سبک زندگی افراد آن جامعه به دست آورد. سبک زندگی بیشترین همپوشانی معنایی را با مفهوم منش (عادت‌واره)^۳ در نظریه تمایز پیر بوردیو دارد؛ بنابراین از مفهوم عادت‌واره بوردیویی جهت تبیین کلیدواژه سبک زندگی استفاده می‌شود. عادت-واره‌ها نظام‌هایی از قابلیت‌های پایدار و قابل انتقال (از خلال آموزش و فرایند اجتماعی شدن یا از طریق تقلید و تأثیرپذیری) هستند که ساختارهای بیرونی را در افراد درونی می‌کنند به صورتی که افراد با عمل خود ساختارها را بازتولید کنند. ساختارها، به باور بوردیو، روابطی اجتماعی هستند که میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی با قدرت‌های نابرابر ایجاد می‌شوند. این ساختارها در واقع هدف تداوم حاکمیت و استیلا را درون یک میدان دنبال می‌کنند (فکوهی، ۱۳۹۰: ۵۴). این میدان می‌تواند یک سازمان «سربازنهاد» مانند ارتش را در بر بگیرد. هر میدانی، عرصه‌ای است که در آن نیروهای بالقوه یا بالفعل با یکدیگر وارد تبادل می‌شوند. قابلیت‌های شکل‌دهنده منش تربیت‌یافته، تنها در

1. Life Style

2. Merriam-Webster Dictionary

3. Habitus

حالتی شکل می‌گیرند و به کارکرد خود عمل می‌کنند که در یک میدان قرار گرفته باشند یا در رابطه با یک میدان وارد شده باشند. در هر میدانی میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی چهار نوع سرمایه ردوبدل می‌شوند که عبارت‌اند از: سرمایه اقتصادی (ثروت و پولی که هر بازیگر اجتماعی در دست دارد)، سرمایه فرهنگی (قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد)، سرمایه اجتماعی (شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی که هر فردی در اختیار دارد و سرمایه نمادین (مجموعه ابزارهای نمادین، پرستیژ، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) که فرد در اختیار دارد. در سیاست‌های سبک زندگی سربازی سرمایه نمادین از اهمیت برخوردار است. زمانی که ساختار حاکمیت یا استیلا در هر میدانی از خلال «منش» به بازیگران یا گروه‌های اجتماعی منتقل شد، برای تداوم آن استیلا دیگر ضرورتاً نیازی به دخالت مستقیم حاکمیت وجود ندارد. این امر از طرق مختلف، چه به صورت اشکال رسانه‌ای (به‌ویژه تلویزیون و سینما) و چه به صورت اشکال مناسکی (مناسک قدرت، تابوها و...) به افراد منتقل می‌شود و رفتارهای آن‌ها را مورد کنترل قرار می‌دهد به صورتی که حق انتخاب عمل از آن‌ها گرفته می‌شود و به‌ناچار بر اساس «منش» عمل می‌کنند. به این ترتیب «منش‌ها» نه فقط ساختارها را درونی می‌کنند، بلکه از طریق این درونی کردن، بازتولید آن‌ها و در نتیجه بازتولید حاکمیت را نیز ممکن می‌کنند. در میدان «سربازی»، «سرمایه نمادین» جهت تداوم استیلا ارزش‌های ملی و به عبارتی تغییر در راستای فرایند «ملت‌شدن» از اهمیت برخوردار است. سبک زندگی سربازی به‌عنوان منش در میدان نهاد سربازی در راستای فرایند ملت‌شدن عمل می‌کند. از آنجاکه در چارچوب نظریه تمایز بوردیو بر سرمایه نمادین تأکید می‌شود، دو عنصر مهم لباس هم‌سان و ارتباط زبانی در نهاد سربازی با منطق نشانه‌شناسی واکاوی می‌گردد:

الف- لباس هم‌سان

نشانه‌ها حامل معانی هستند و نشانه‌شناسی قادر به مطالعه این فرایند یعنی انتقال معانی از طریق نشانه‌ها در زندگی روزمره انسان‌هاست (نرسیسیانس، ۱۳۸۵: ۱۲۱). لباس هم‌سان از اجزای سبک زندگی سربازی است. تولد لباس هم‌سان در ارتش مدرن ایران مخصوصاً از دوران پهلوی اول فراگیر شد. لباس متحدالشکل خود نظام تفاوت و گوناگونی را در جامعه ایران به ارمغان آورد. لذا دارای نظام مد خاصی است. در دوران جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۷خ) لباس هم‌سان به مد اجتماعی تبدیل شده بود؛ بنابراین دارای نقش و کارکرد اجتماعی بود. لباس هم‌سان از جنبه‌های ذیل دارای اهمیت است:

۱- دارای وجه زیبایی‌شناسانه است، در محافل رسمی و میهمانی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- ۲- دارای وجه حماسی است، افراد جامعه با رؤیت لباس پوشش هم‌سان نظامیان، تصویری از اسطوره‌ها و پهلوانان نامی ایران را در ذهن خود بازتولید می‌نماید. عباس بابایی و یا عباس دوران تصویری از پهلوانان ایران هستند.
- ۳- این لباس از نظر منزلت اجتماعی از اهمیت برخوردار است و معرف یک طبقه اجتماعی است که یا طبقه مسلط اجتماعی است و یا ابزار تسلط بر اجتماع.
- ۴- لباس هم‌سان نماد امنیت‌زایی در سپهر اجتماعی است.
- ۵- لباس هم‌سان نماد تهدید برای قانون‌شکنان و متعرضان به امنیت جامعه است.
- ۶- رنگ لباس ناظر بر تقسیم کار اجتماعی است (نیروی زمینی به رنگ خاکی، نیروی هوایی به رنگ آبی و نیروی دریایی به رنگ آبی)
- ۷- علائم و نشانه‌هایی ناظر بر تخصص و مهارت کارکنان نظامی بر شانه‌ها و سینه لباس‌ها نصب است. این علائم بیانگر دوره‌های تخصصی، مدت شرکت در عملیات رزمی، عملیات غواصی دریایی و یا پرواز با هواپیماست.

ب- زبان ارتباطی

زبان سربازی و ارتباطات کلامی در نهاد سربازی نیز استعاره را با خود حمل می‌نماید. استعاره به حالت خاصی از فرایند زبانی اطلاق می‌شود که در آن جنبه‌هایی از یک شیء دیگر و یا چیزی به چیز دیگر فرابرده یا منتقل شود (نرسیسیانس، ۱۳۸۵: ۸۹). واژگان سرباز، سرجوخه، سروان و... استعاره‌هایی است که در نهاد سربازی استعمال می‌شود. در هر استعاره دو وجه وجود دارد که عبارت است از: چیزی ناآشنا و ناشناخته که باید به شیء شناسا تبدیل شود (مستعارله) و چیز آشنا و یا رابطه‌ای که برای شناسایی ناشناخته مورد استفاده قرار می‌گیرد (مستعارمنه) (جولیان جنیر، ۱۳۸۰: ۶۸). در نهاد سربازی استعاره «سرهنگ» اشاره به یک مقام نظامی است که فرمانده یک یکان عمده نظامی است. در نشانه‌شناسی واژگان سربازی استعاره سرجوخه در حکم یک دال است که برای ارجاع به مدلول به کار گرفته می‌شود؛ ولی با این تفاوت که دال و مدلول رابطه قراردادی دارند. همه فرمان‌های نظامی که در مناسک و یا در رزمگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد در قالب بازی‌های زبانی است که مولد روحیه حماسی است. برای مثال احترام نظامی به واژگانی مانند شهید یا احترام به پرچم، دال‌هایی است که به عظمت جایگاه شهید یا تقدس پرچم ملی اشاره دارد. استعاره‌های زبان سربازی آن‌چنان از انسجام برخوردارند که در زبان پزشکی نیز مورد استفاده است. برای مثال مصطلح است که گلبول‌های سفید مانند سرباز، وظیفه دفاع از بدن در مقابل مهاجمین را دارند. در زبان رهبران

برجسته نیز استفاده از استعاره‌های سربازی مصطلح است. «سربازان جنگ نرم»، «افسران میدان دیپلماسی» و... در سخنان رهبران نظام جمهوری اسلامی کاربرد دارد. در زبان فارسی بدن انسان منبع فوق‌العاده مؤثری برای تولید فحوا و یا مستعارله است. با تدقیق در زبان سربازی ملاحظه می‌گردد که بیشترین استفاده از استعاره «سر» شده است: سرلشکر، سرتیپ، سرهنگ، سرگرد و...

بنابراین ملاحظه می‌گردد دو عنصر مهم "زبان ارتباطی" و "لباس هم‌سان" و علائم سربازی در قالب سرمایه نمادین و در یک میدان عمل اجتماعی سربازی به‌مثابه سبک زندگی خاصی تلقی می‌گردند و این سبک زندگی در راستای پدیده ملت شدن در تغییر است. این سبک زندگی بسیاری از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ملت شدن مانند داشتن مناسک مشترک، دین و فرهنگ مشترک، آرزوها و آینده مشترک در چارچوب سرزمینی واحد را بازتولید می‌نماید.

سیاست سبک زندگی در واقع امری نهادی است، یعنی نهاد سربازی به‌خودی‌خود واحد سبک خاصی از زندگی اجتماعی است؛ بنابراین نظام وظیفه در ایران به‌مثابه یک نهاد، ویژگی عمومی نهادها را به‌تمامی داراست. نخست اینکه؛ نظام وظیفه در کشور برآورده‌کننده نیازهای اجتماعی است؛ نیازهایی مانند حفظ الگو، آموزش به سربازان برای زندگی در شرایط سخت و بحرانی، آموزش عملی نظم و انضباط اجتماعی که با پیوند دادن نظم و انضباط عینی (مانند یکدستی پوشش و وضعیت ظاهری نظامیان، رژه، تثبیت رفتار استاندارد و یکنواخت به‌طور مثال: خیردار ایستادن در مقابل مافوق، حضور فیزیکی فوری زمانی که مافوق سرباز را فرامی‌خواند و...) و نظم ذهنی؛ پایبندی به مفاهیم و ارزش‌های مختص اجتماعی که سربازان در آن زندگی می‌کنند، آموزش وقت‌شناسی و تأکید بر اهمیت حیاتی آن در زندگی اجتماعی، ایجاد انگیزه روانی برای انجام فعالیت گروهی، ایجاد روحیه مشارکت، حل کردن «من فردی» در «مای اجتماعی»، ایجاد پیوند درونی و بیرونی بین نسل جدید و قدیم به‌واسطه مفهوم وطن به‌منظور درونی کردن ارزش پاسداری از میهن. این کنش رفتاری در چارچوب نظریه تمایز بوردیو، سرمایه نمادین محسوب می‌گردد و فرایند ملت شدن را در بستری نهادی تسهیل می‌کند.

دومین خصوصیت نهادها مشارکت دادن اعضا در ارزش‌های غایی جامعه است. این مهم در نظام وظیفه با تعیین هدف و آرمان مشترک مطابق با ارزش‌های دیرپای جامعه (که پاسداری از ارزش‌های ایرانی - اسلامی است) و بسیج سربازان در جهت نیل به آن صورت می‌پذیرد. سومین ویژگی نهاد پایداری نسبی است. نظام وظیفه در ایران از زمان تشکیل آن به‌عنوان یک نهاد مدرن دارای ثبات و پایداری بوده، علی‌رغم اینکه در مقاطعی جزئیات قوانین آن تبصره‌های خاصی را پذیرفته، اما در مجموع الگوی ثابت رفتار سازمانی را در پیش گرفته است و طوفان

انقلاب اسلامی هم در آن تغییری ایجاد نکرد. چهارم اینکه اگر یک نهاد در جامعه دستخوش تغییر شود، دیگر نهادها نیز به تبعیت از آن دچار تغییر و تحول خواهند شد، که اگر این امر در مورد نظام وظیفه رخ دهد، نهادهای اقتصادی، سیاسی و آموزشی پرورشی در کشور دچار تغییر و تحول خواهند شد. ویژگی پنجم دارا بودن شبکه‌ای از هنجارها و ارزش‌های خاص نهادی علی‌رغم وابستگی متقابل نهادها با یکدیگر است؛ یعنی با وجودی اینکه نظام وظیفه در ایران هنجارها و ارزش‌های غالب جامعه را در درون افراد نهادینه می‌کند اما ارزش‌های خاص خود را نیز (مانند وقع نهادن به تمرینات جسمی و فیزیکی با بالا نگاه‌داشتن روحیه نظامی‌گری حتی در شرایط صلح، تأکید بر فرمان‌برداری، ترجیح نظامی‌گری بر شخصی‌گری) می‌پروراند. آخرین ویژگی نهاد عبارت است از اینکه آرمان‌های یک نهاد را معمولاً بخش عظیمی از اعضای جامعه - چه در آن مشارکت داشته باشند و چه نداشته باشند - پذیرفته‌اند. خانواده‌های ایرانی در طول زمان ارزش‌هایی را که نظام وظیفه به آن پایبند است را پذیرفته‌اند (برای مثال؛ برنامه‌ریزی که خانواده ایرانی برای آینده فرزندان خود انجام می‌دهد معمولاً دارای الگوی ثابت و تکرارشونده‌ای از این قرار است: (تحصیل - انجام خدمت سربازی - پیدا کردن شغل - ازدواج)؛ این الگو فرم صوری رفتار سنتی خانواده‌های ایرانی است. دوران سربازی موقعیت خاص و استثنایی است که باید سربازان در کنار فعالیت‌های نظامی و انتظامی در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی و سبک صحیح زندگی نیز مهارت لازم را کسب نمایند، تا بتوانند در مرحله بعدی زندگی سازنده و موفق باشند.

سبک زندگی سربازی از آیین‌نامه آموزشی سربازان در راستای تبیین مناسک سربازی ایضاح می‌گردد. مطابق آیین‌نامه آموزشی انفرادی ویژه سربازان در ارتش، برنامه‌های تفصیلی جهت اجرا مصوب گردیده است؛ در آموزش سبک زندگی سربازی برنامه‌های ذیل اجرایی می‌گردد:

- آموزش آیین‌نامه (انضباطی - پادگانی - نگهبانی پاسداری) و آیین‌نامه دادرسی؛
- آموزش مشق صف و تمرین رژه (حرکت انفرادی بدون تفنگ - مشق سلام دادن و ادای احترامات نظامی - حرکات انفرادی اجتماعی در نظام جمع)؛
- آموزش فرهنگی (فلسفه خدمت سربازی - فرهنگ سازمانی - آشنایی با دفاع مقدس - خلاقیت - آداب اجتماعی)؛

- آموزش عقیدتی (آموزش احکام - آموزش اخلاق اسلامی - هدایت سیاسی و دانش سیاسی).
با اجرای برنامه‌های آموزشی و اجرای برنامه زندگی شبانه‌روزی سربازان موسوم به برنامه سین، سبک خاصی از زندگی اجتماعی موسوم به سبک زندگی سربازی وجود دارد که جزئی

مهم از برنامه جامعه‌پذیری سربازانی است که شهروندان کشور را تشکیل می‌دهند. در غالب کشورهای جهان که پس از عبور از وضعیت استعماری قرن نوزدهم قدم در راه استقلال نهادند، ابتدا نهاد دولت مدرن در این کشورها با بهره‌گیری از تجربه غرب شکل گرفت؛ سپس دولت مستقر با بهره‌گیری از نظم آهنین نهاد ارتش و تغییر در سبک زندگی مشمولان جوان، آنان را آماده مشارکت در فرایند ملت‌سازی کرد. به این ترتیب هنجارپذیری ملی مستلزم تربیت مشمولان جوان در نهاد ارتش به مثابه مدرسه ملت و در واقع پیشبرد فرایند ملت‌سازی بود. سبک زندگی سربازی و اجرای دقیق برنامه‌های آن گامی اساسی در مسیر فرایند ملت‌سازی است.

سوم- سیاست‌های نیروی انسانی سربازی در ارتش

سرباز در نهاد ارتش در قالب یک نهاد رسمی به انجام وظیفه می‌پردازد. نهاد ارتش یک سازمان رسمی دارای ویژگی «ساختار دقیق فعالیت، بقا و دوام سازمان و رشد و پویایی سازمانی است» (منوریان، ۱۳۷۸: ۷). اهمیت نیروی انسانی برای سازمان بسیار زیاد است اگر چنین نباشد کل برنامه‌های سازمان از بین می‌رود، چون مهم‌ترین بخش‌های سازمان همان نیروی انسانی است. بنابراین مطلوبیت سیاست‌های نیروی انسانی در ارتش هدف‌دار بودن آن از اهمیت برخوردار است. سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی در ایران با نهاد دولت و به صورت Top-down آغاز شد. شماری از تاریخ‌دانان و متخصصین علوم سیاسی بیان می‌دارند که اجباری کردن خدمت‌سربازی به طور موفق نیازمند دولت مرکزی قدرتمند و برحق است. دولت مرکزی با محبوبیت محدود و دستگاه‌های سیاسی ضعیف، طی اجرای طرح خدمت اجباری با مقاومت گسترده افراد روبه‌رو خواهد شد که قادر به مبارزه با سلطه قانونی دولت هستند. اکثر دولت‌های قدرتمند به دلیل نبود همبستگی ملی قادر به گردآوردن مردان جوان جهت خدمت به کشور نیستند. حتی با وجود حمایت قابل توجه عموم مردم نهادینه کردن خدمت اجباری نیازمند دستگاه‌های اجرایی گسترده جهت شناسایی، فراخواندن و گردآوردن مردان قادر به مبارزه است؛ بنابراین گسترش شبکه راه‌ها جهت اجرای سیاست‌های نیروی انسانی ارتش و فراخوان و گردآوری مشمولان جوان یک ضرورت است زیرا منجر به گسترش اقتدار دولت بر اقوام و گروه‌های مختلف جامعه می‌گردد. از طرف دیگر، وضعیت فرهنگی اجتماعی در ایران و الگوی تعامل جامعه ایرانی با پدیده دولت در شکل‌گیری چگونگی خدمت‌سربازی نیز مؤثر بوده است؛ ارتش در دوران پهلوی اول عرصه مهم این تحولات بود. اجرای قانون سربازی و توسعه سازمان قشون متحدالشکل مستلزم جذب نیروی انسانی در گستره ملی از جوانان ایرانی بدون توجه به منطقه یا ایل آنان بود. این امر نیازمند آمار دقیقی از افراد کشور بود و به همین دلیل اداره‌ای به نام "اداره کل احصایه و سجل احوال" تشکیل شد و برای تعیین تعداد

جمعیت کشور و ثبت احوال آنان نیز قانونی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. با تصویب قانون اجباری، دایره سربازگیری و نظام اجباری نیز در نهاد ارتش تأسیس شد. در سال ۱۳۱۳ خ، هفده منطقه سربازگیری در کشور ایجاد شد (تاریخ ارتش نوین ایران، ۲۰۱۵: ۱۵۴)؛ به این ترتیب اجرای قانون سربازگیری اقدامی جهشی در راستای نوسازی و نقطه عزیمت نهادسازی گسترده در ایران بود؛ زیرا جذب نیروی انسانی به ارتش در گستره ملی شتابی در خور پیدا نموده و دوسوم نیروی انسانی سرباز به این ترتیب تأمین شد، همچنین سازمان‌هایی جهت ثبت دقیق آمار جمعیتی کشور ایجاد گردید. خدمت سربازی در ایران باید بر تضاد تاریخی دولت-ملت غلبه می‌یافت. نقدی که بر حکومت پهلوی اول وارد است این بود که روند تشکیل دولت جدید را بر روی گسل تاریخی دولت و ملت به شکل متضادی به پیش برد. یک روی سکه اقدامات او به تقویت دولت مرکزی و به موازات آن رشد آگاهی‌های افراد از هویت ملی انجامید. پهلوی اول با تقویت ارتش و شبکه ارتباطی راهها در نقاط مختلف کشور و از جمله ایجاد راه‌آهن سراسری امکان دسترسی به نقاط مختلف را فراهم کرد. این اقدامات باعث افزایش آگاهی ایرانیان از هویت مشترک خویش گردید؛ زیرا تا پیش از آن وطن در میان توده مردم معنای شهر و دیار داشت.

بنابراین ملاحظه می‌گردد که سیاست جذب و آموزش نیروی انسانی وظیفه در یک قرن اخیر در ایران چگونه منجر به توسعه ساختارهای بوروکراتیک، توسعه راه‌ها و مدرن شدن ساختار کلی کشور گردیده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییراتی که در ساختار نظام سیاسی به وجود آمد، کانون وفاداری سربازان از نظام استبدادی پیشین به نظام جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت اما سیاست جذب و آموزش سرباز به لحاظ شکلی و محتوایی تغییر چندانی نکرد. برای نیروی انسانی وظیفه در قانون اجا مصوب مجلس شورای اسلامی و همچنین آیین‌نامه ارتش جمهوری اسلامی ایران وظایف و اهدافی تعیین گردیده است که از اهمیت برخوردار است.

ماده ۷ (بند ز) قانون اجا- آماده کردن مردم برای دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی در چارچوب قانون خدمت وظیفه عمومی.

ماده ۲۶ قانون اجا- پرسنل وظیفه کسانی هستند که مطابق قانون خدمت وظیفه عمومی در یکی از دوره‌های ضرورت، احتیاط یا ذخیره مشغول خدمت می‌باشند.

ماده ب آیین‌نامه رزم انفرادی ارتش: کارکنان وظیفه به‌عنوان نیروهای رزمنده خط مقدم، مجری طرح‌های تاکتیکی رده‌های بالاتر هستند و چنانچه کارآموده، بامهارت و با انگیزه باشند می‌توانند طرح‌ها را به موفقیت برسانند.

- اهداف آموزش رزم انفرادی

بند ب- ایجاد نظم و انضباط با روحیه انقلابی و سلحشوری، تقویت بنیه (فکری، روحی، فرهنگی و جسمی) کارکنان وظیفه برای آمادگی زندگی در شرایط سخت نظامی.

بند و: فراگیری و آموزش قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

بند ز: تقویت ایمان و اعتقاد دینی و تعهد عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

بند ح: تبلیغ و ترویج روحیه وفاداری، حماسه و رزم پاسداری از کشور جمهوری اسلامی ایران
جذب نیروی انسانی وظیفه بر اساس قوانین مصوب بر عهده نیروی انتظامی (سازمان وظیفه ناجا) است. نیروی انسانی جذب‌شده فارغ از دین، مذهب، قومیت و فقط بر اساس ویژگی مشترک ملیت ایرانی جذب می‌گردند. نیروی انسانی جذب‌شده بر اساس نظام تقسیمات کشوری ارتش، جذب پادگان‌های آموزشی ارتش گردیده و به مدت دو ماه تحت آموزش شبانه‌روزی رزم انفرادی و آیین زندگی نظامی قرار می‌گیرند. سپس در فرایند نقل و انتقالات جذب پادگان‌ها و پایگاه‌های مختلف ارتش در نیروهای زمینی، هوایی و دریایی در سراسر کشور می‌گردند. به این ترتیب استفاده از نیروی انسانی در سطح ملی با این الگوی جذب، آموزش و مهارت‌پذیری بخش مهمی از فرایند ملت‌سازی در ایران طی یک صد سال گذشته بوده است.

سیاست‌های نیروی انسانی در خدمت‌سربازی با توجه به جغرافیا و جمعیت و اقلیم آب‌وهوایی ایران اهمیتی مضاعف در راستای فرایند ملت‌سازی می‌یابد. موقعیت جغرافیایی ایران به شکل متضادی هم باعث حفظ هویت ملی ایرانیان شده و هم در میان عوام موجب بیخبری آن‌ها از یکدیگر بوده است. ایران بارها در طول تاریخ خود مورد تهاجم قرار گرفته و قرن‌ها زیر کنترل و نظارت مهاجمان خارجی اداره شده است؛ اما با وجود همه این تهاجم‌ها خصلت فرهنگ و تاریخ قوم ایرانی در شکل خاص و منحصر به فردش محفوظ مانده است (کاتم، ۱۳۷۱: ۸۹). بتردید حفظ استقلال و ویژگی‌های ملی ایران ناشی از همین انزوا و جدا افتادن آن بوده است (دنسون راس، ایران و ایرانیان: ۲۹). هرچند در مواردی توان جلوگیری از هجوم امواج انسانی به فلات ایران نبود، اما وضعیت اقلیمی و جغرافیایی آن، از عوامل مؤثر دفاعی به شمار میرفته و در این زمینه تنها تهاجم‌های بزرگ پر دامنه موفق بوده‌اند. اگر فلات ایران از چنان وضعیت جغرافیایی برخوردار نبود شمار تهاجمات موفقیت‌آمیز می‌توانست خیلی بیشتر از این‌ها باشد و در نتیجه فرهنگ و تداوم تاریخی این سرزمین نیز از میان میرفت (کاتم، ۱۳۷۱: ۳۷). در عین حال همین جدا افتادگی و ناتوانی در برقراری ارتباط و مسافرت بین نقاط مختلف می‌توانستند در جهت خلاف ملت‌سازی عمل کند. بدین معنا که اهالی نقاط مختلف ایران نمی‌توانستند میان یکدیگر ارتباط برقرار کرده و همدلی ایجاد کنند؛ بنابراین گسترش راه‌های ارتباطی در راستای تأمین نیروی انسانی سرباز این خلأ را پر می‌کرد. خدمت‌سربازی به‌واسطه اعزام سربازان به نقاط مختلف کشور به تقویت آگاهی ملی کمک می‌کرد.

سربازان عشیره‌ای و روستایی ارتش جدید، که غالباً تا پیش از ورود به خدمت سربازی، تنها با حدود و مرزهای سیاسی- فرهنگی منطقه خود و احیاناً مناطق هم‌جوار آشنا شده بودند، با حضور در ارتش و خدمت در مناطقی بسیار دورتر از منطقه بومی خود و نیز آشنایی با مرزهای سرزمینی ایران و پاسداری از آن بیش‌ازپیش با تصویر ایران در قالب یک دولت- ملت آشنا شدند. آن‌ها هم‌چنین در پادگان‌ها و سربازخانه‌های ارتش در نواحی مختلف با جغرافیای سایر مناطق آشنا شده و به تصویری عینی‌تر از میهن خود، ایران دست پیدا می‌کردند.

- تجزیه و تحلیل محیط تحقیق

خدمت سربازی هم مرتبط با نهاد جامعه است و هم مرتبط با نهاد مدرن ارتش، بنابراین ضمن ارتباط با وضعیت فرهنگی اجتماعی یک کشور است، با نهاد حاکمیت نیز ارتباط دارد. تاریخ خدمت سربازی ناظر بر مدرن بودن مقوله اجتماعی سربازی است؛ بنابراین مدرنیسم و پدیده ملت‌سازی به مفهوم مدرن آن در خاورمیانه با سازمان ارتش و نهاد سربازی ارتباط وثیق دارد. فرض اصلی مقاله مبنی بر این است که نهاد سربازی در ایران مقوم پدیده ملت‌سازی در ایران معاصر است. مطابق ادبیات پژوهش اجزا اصلی مقوم ملت عبارت‌اند از: محدوده جغرافیایی واحد تحت تابعیت نظام سیاسی حول محور منافع ملی مشترک، احساس تعلق معنوی به تاریخ و فرهنگ و زبان مشترک، تعلق به اسطوره‌ها و سرزمین تاریخی و خاطره‌های تاریخی مشترک، انگیزه فداکاری دوش‌به‌دوش برای حال و آینده، همزیستی مسالمت‌آمیز، زبان و هنجارهای فرهنگی مشترک. شرط اصلی تداوم و حیات پدیده‌ای به نام ملت اجرای سیاست‌های اجتماعی ملت‌ساز و مقوم ملت است؛ زیرا تمام اجزا مقوم پدیده ملت معرف ارگانیکی بودن این پدیده اجتماعی و انسانی است. ارگانسیم‌ها در صورت عدم دریافت تغییرات مشمول مرگ می‌گردند. مطابق پژوهش حاضر سیاست اجتماعی خدمت سربازی در راستای ملت‌سازی در قرن معاصر ایران عمل کرده است. بر اساس روش تحقیق داده‌بنیاد سه بعد اصلی سیاست‌گذاری خدمت سربازی (سیاست آموزشی، سبک زندگی و نیروی انسانی) برای ملت‌سازی در ایران مؤثر هستند اگر این سه بعد دسته‌ای از شرایط باشند که روی هم رفته کافی برای وقوع پدیده ملت‌سازی در ایران باشد. سه بعد اصلی سیاست‌های خدمت سربازی که در راستای پدیده ملت‌سازی مؤثر بوده است مطابق ادبیات پژوهش کارکردهای ملت‌سازی به شرح ذیل را داشته است که در جدول بر اساس ابعاد، گزاره‌های استخراجی و مفاهیم استخراجی تبیین می‌گردد. مطابق جدول سیاست‌های خدمت سربازی منجر به تولید مفاهیمی می‌گردد که مقوم فرایند ملت‌سازی در ایران است:

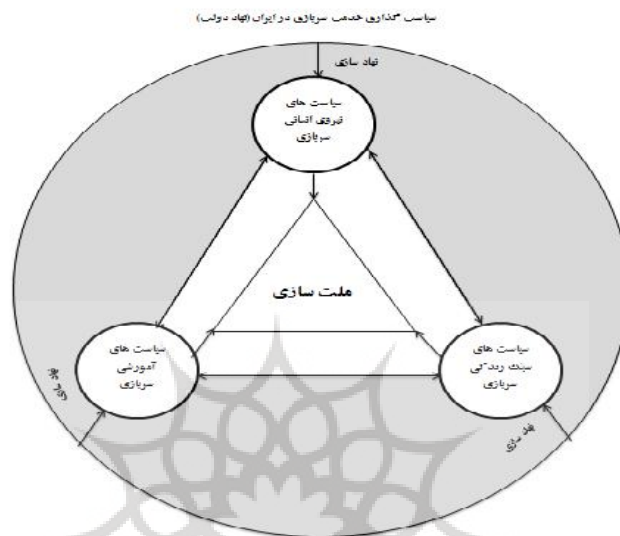
متغیر وابسته	متغیر مستقل	
	سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی	
ملت‌سازی در ایران	مفاهیم استخراجی	گزاره‌های استخراجی
	<ul style="list-style-type: none"> - ارتش مدرسه ملت - زبان مشترک آموزشی - زبان مشترک تخصصی - زبان مشترک معنایی و فرهنگی - تربیت ملی جوانان - جامعه‌پذیری سربازی - وحدت رویه در سیاست آموزشی - آموزش موسیقی ملی 	<p>۱. ارتش به‌مثابه مدرسه بزرگ ملت به آموزش مقدماتی و تخصصی سربازان می‌پردازد؛ ۲. وحدت رویه آموزشی از عناصر مقوم انضباط در سازمان ارتش است؛ ۳. شهروندان آموزش‌دیده ارتش می‌توانند در راستای تقویت انسجام ملی موثر باشند؛ ۴. زبان مشترک آموزشی فارسی در ارتش از اجزا اصلی پدیده ملت است؛ ۵. ترکیب جغرافیایی پادگان‌های آموزشی ارتش در نقاط مختلف کشور مقوم امنیت ملی و در راستای مدرنیزه کردن بخش‌های جغرافیایی مختلف کشور است؛ ۶. آموزش‌های تخصصی سربازان در ارتش ناظر بر تقسیم کار و تخصصی شدن امور در نهاد ارتش است و تخصصی شدن امور یکی از ویژگی‌های دولت و ملت مدرن است؛ ۷. وحدت فرماندهی و انضباط جمعی یگان‌های سربازی روح انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند و انسجام اجتماعی از لوازم تحقق پدیده ملت است؛ ۸. آموزش سربازی هنجارسازی مشترک سازمانی می‌نماید و هنجار مشترک از ابعاد تعریف ملت مدرن است.</p>
	<ul style="list-style-type: none"> - سبک زندگی پادگانی - عادت‌واره سربازی - سرمایه نمادین - لباس هم‌سان نظامی - ارتباطات زبانی سربازی - علائم سربازی - آموزش نظم و انضباط اجتماعی - تثبیت رفتار استاندارد - نظم ذهنی 	<p>۱. زندگی در شرایط سخت، انضباط و وقت‌شناسی، پایبندی به شرافت سربازی، ایجاد روحیه مشارکتی، درونی کردن ارزش و انگیزه پاسداری از وطن و همچنین آموزش سبک زندگی از اجزا سیاست‌های سبک زندگی سربازی است؛ ۲. اجرای مناسک زندگی سربازی مانند احترام به پرچم ملی و اجرای مراسم صبحگاه و شامگاه، و اجرای دقیق برنامه سین در راستای سیاست سبک زندگی اجرا می‌گردد؛ ۳. همه اجزا مناسک و</p>

سیاست‌های آموزشی

سیاست‌های سبک زندگی

	<p>- پابندی به ارزش‌های اجتماعی - آموزش وقت‌شناسی - انگیزه انجام فعالیت گروهی - روحیه مشارکت - پیوند نسل‌ها به واسطه مفهوم ملت - درونی کردن ارزش پاسداری از وطن</p>	<p>سبک زندگی سربازی در قالب سرمایه نمادین اجتماعی قابل تعریف است. تجمیع سرمایه نمادین از ویژگی‌های جامعه همبسته و منسجم است و جامعه همبسته نمادی از ملت تحقق یافته است؛ ۴. همزیستی مسالمت‌آمیز از اجزا اصلی تعریف مدرن ملت است، و سبک زندگی مشارکتی سربازی در راستای پدیده ملت‌سازی است؛ ۵. ارتباطات زبانی و لباس هم‌سان سربازی از اجزاء سبک زندگی سربازی محسوب می‌گردد؛ ۶. احترام به واژگان و نمادها در ارتباطات زبانی و همچنین تقسیم‌کار سازمانی سربازان نشان سازماندهی در بستر دولت و ملت مدرن است.</p>	
	<p>- توسعه شبکه راه‌ها - توسعه بوروکراسی - فراگیری قوانین و مقررات - آماده‌سازی نیروی انسانی برای دفاع ملی</p>	<p>۱. جذب نیروی انسانی سرباز در گستره ملی انجام می‌گردد؛ ۲. برای جذب نیروی انسانی سرباز در گستره ملی باید نظام ثبت‌احوال و همچنین شبکه گسترده راه‌ها در سراسر کشور ایجاد و توسعه می‌یافت؛ ۳. جذب نیروی انسانی سرباز به توسعه ساختار بوروکراتیک منجر گردید؛ ۴. مردم برای دفاع مسلحانه از کشور آمادگی دفاع پیدا می‌نمایند. همچنین در قالب سازمان رزمی ارتش آمادگی لازم برای اجرای طرح‌های تاکتیکی محوله از رده‌های بالاتر را پیدا می‌نمایند؛ ۵. سربازان ضمن آموزش و عمل به انضباط سربازی از روحیه سلحشوری برخوردار می‌گردند؛ ۶. یگان‌های جمعی سربازی تحت آموزش و فراگیری قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های سازمانی قرار می‌گیرند؛ ۷. نقل و انتقال سربازان از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست نیروی انسانی سربازی است، سربازان از قومیت‌های مختلف تحت آموزش قرار می‌گرفتند؛ بنابراین سیاست وحدت ملی در عین تکثر قومیتی و گویشی شکل می‌گرفت.</p>	<p>سیاست‌های نیروی انسانی</p>

مطابق جدول صفحه قبل تبیین ابعاد سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی منجر به استخراج گزاره‌ها و به همین ترتیب مفاهیمی می‌گردد که مؤثر بر پدیده ملت‌سازی در ایران می‌باشند. مدل مفهومی نهایی پژوهش در صفحه بعد ترسیم گردیده است.



نتیجه‌گیری

ضعف انباشت ادبیات نظری در حوزه پژوهش‌های سیاست‌گذاری از ویژگی‌های سیاست‌پژوهی امروز است؛ پژوهش حاضر نقش سیاست‌های خدمت‌سربازی در فرایند ملت‌سازی در ایران را طرح کرد، سپس بر اساس روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به تعریف ابعاد سیاست‌های خدمت‌سربازی در سه مقوله اصلی سیاست‌های آموزشی خدمت‌سربازی، سیاست‌های شبکه‌ریختی خدمت‌سربازی و سیاست‌های نیروی انسانی خدمت‌سربازی، مبادرت ورزید. سپس با بهره‌گیری از فکت‌های تاریخی و استفاده از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک موجود به شناسایی شاخص‌های متغیرهای وابسته (ملت‌سازی در ایران) و مستقل (سیاست‌های خدمت‌سربازی) می‌پردازد. محقق با تکیه بر عقل، منطق و استدلال و با رویکرد کیفی به تبیین اثرگذاری متغیر مستقل (سیاست‌های خدمت‌سربازی) بر متغیر وابسته (فرایند ملت‌سازی در ایران) می‌پردازد. مطابق پژوهش حاضر ملت‌پدیده‌ای ارگانیکی است و لذا تغییر و تحول دارد، همچنین نهاد سربازی نیز به‌مثابه یک ارگانسیم زنده از ماهیت تغییرپذیری برخوردار است؛ بنابراین روند پژوهش ایضاً اثرگذاری سیاست‌های خدمت‌سربازی بر شکل‌گیری و فرایند ملت‌سازی است و این اثرگذاری در

حال و آینده نیز ماهیت خود را حفظ خواهد کرد. مناسب با تغییر و تحولات فرهنگی در یک اجتماع ملی، تغییر در سیاست‌های خدمت‌سربازی نیز ضرورت دارد، ناهم‌زمانی در تغییرات این دو نهاد احتمالاً گسست‌ها و شکاف‌های دولت و ملت و ناکارآمدی‌های سیاستی و ملی را می‌تواند در پی داشته باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی.
- آیین‌نامه آموزشی سربازی. (۱۳۸۶). تهران: معاونت آموزش و تربیت ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۸). *متغیرهای استراتژیک در سیاست‌گذاری فرهنگی*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- اشتراسوس، انسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه: بیوک محمدی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۸۵). *اندیشه ترقی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آگبرن، ویلیام و نیم‌کوف، مایر. (۱۳۵۷). *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۹۱). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، چاپ نهم، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بیانی، خانبابا. (۱۳۵۳). *تاریخ نظامی ایران*، چاپ اول، تهران: چاپخانه ستاد ارتش.
- تانسی، استیون. (۱۳۹۰). *مقدمت سیاست*، ترجمه هرمز همایون‌پور، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- *تاریخ ارتش نوین ایران (جلد یکم ۱۳۲۰-۱۳۰۰)*، پدیدآورنده: ستاد بزرگ ارتشتاران، رده ۹ الف/۷۵۵؛ کتابخانه بنیاد دایره‌المعارف اسلامی؛ تهران، ثبت ۲۰۱۵.
- تیلی، چارلز. (۱۳۸۳). *انقلاب‌های اروپایی*، ترجمه بهالدین بازرگانی گیلانی، چاپ اول، تهران: نشر کویر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۱). *روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ بیستم، تهران: انتشارات سمت.
- جنیر، جولیان. (۱۳۸۰). *خاستگاه آگاهی در فروپاشی ذهن دوجایگاهی ترجمه خسرو پارسا و شیوا دولت‌آبادی*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آگاه.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۱). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *فرهنگ لغت ۱۶ جلدی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- عاقلی، باقر. (۱۳۸۰). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۷). بنیادهای علم سیاست، چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی.
- علی‌بابایی، غلامرضا. (۱۳۸۲). تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا پهلوی، چاپ اول، تهران: انتشارات آشیان.
- دانش‌فرد، کرامت‌الله. (۱۳۸۹). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- دلاکامپانی، کریستیان. (۱۳۸۰). فلسفه سیاست در جهان معاصر ترجمه بزرگ نادرزاد، چاپ اول، تهران: نشر هرمس.
- فرید، ناصر. (۱۳۸۳). نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات کوش.
- فرمانفرمایان، حافظ. (۱۳۷۰). خاطرات سیاسی میرزا امین‌الدوله، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- کاتم، ریچارد. (۱۳۷۱). ناسیونالیسم در ایران، ترجمه فرشته سرلک، چاپ اول، تهران: نشر گفتار.
- کرنیک، فرانتس. (۱۳۸۷). علوم اجتماعی و ارتش، ترجمه محمد مظلوم خراسانی، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- کمالی، مسعود. (۱۳۸۱). جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران، ترجمه کمال پولادی، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- کرونین، استفانی. (۱۳۷۷). ارتش و تشکیل حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا علی‌بابایی، چاپ اول، تهران: انتشارات خجسته.
- کریژل، بلاندین. (۱۳۸۰). درس‌نامه‌های فلسفه سیاسی، ترجمه عبدالوهاب احمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- هالستی، کی.جی. (۱۳۸۰). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هاوالت، ام. رامش و پرل، آنتونی. (۱۳۹۴). مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب مهربان.
- لیتل، دانیل. (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، چاپ اول، تهران:

نشر صراط.

- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۱). *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ هشتم، تهران: نشر مرکز.
- مارش، دیوید و استوکر، جری. (۱۳۷۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی* ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- معتضد تهرانی، خسرو. (۱۳۸۵). *یک صد سال فراز و فرود نیروی انتظامی در ایران*، چاپ اول، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات نیروی انتظامی.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). *جزوه درسی سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- منشی، نصرالله بن محمد بن عبدالحمید. (۱۳۹۰). *کلیله و دمنه*، تصحیح عبدالعظیم قریب، چاپ اول، تهران: انتشارات مهتاب.
- منصوریان، یزدان. (۱۳۸۶). «گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد»، همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی، دانشگاه اصفهان.
- منوریان، عباس. (۱۳۷۸). *طراحی ساختار سازمانی*، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی سوم، ۴۲۳.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۵). *انسان، نشانه، فرهنگ*، چاپ اول، تهران: نشر افکار.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۷۸). *زبان فارسی عامل بنیادین وحدت و پویایی حوزه فرهنگ ایران*، چاپ اول، تهران: شرکت فرهنگی انتشاراتی فروهر.
- یعقوب‌خان، میرزا. (۱۲۹۰ ق). *افزایش ثروت (طرح اصلاحات به صورت عریضه‌نامه به ناصرالدین شاه)*، چاپ اسلامبول.

(ب) انگلیسی

- Abrahamian, Ervand. (1983), *Iran between Two Revelation*, Princeton: Princeton University Press.
- Malcolm, John. (1815), *The History of Persia*, London: Cambridge Book.
- James, Morier. (1812), *A Journey through Persia, Armenia and Asia Minor*, This Elibron Classics Title is a Reprint of the Original Edition Published by Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown, London.

- Landau, M. (1979), *Political Theory and Political Science: Studies in the Methodology of Political Inquiry*, Brighton: Harvester press.
- Anthony D. Smith. (2004), "Nationalism. Theory, Ideology, History, Polity Press", *The Canadian Journal of Sociology*, Volume 29, Number 1, Winter.
- Kavanagh, Dennis. (1991), "Why Political Science Needs History", *Political Studies*, Volume. 39, Issue 3, September.
- Neuman, Lawrence. (1977), *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches* 3d, ed. Boston: Allyn and Bacon.

